

۲۲ اکتبر ۲۰۰۹

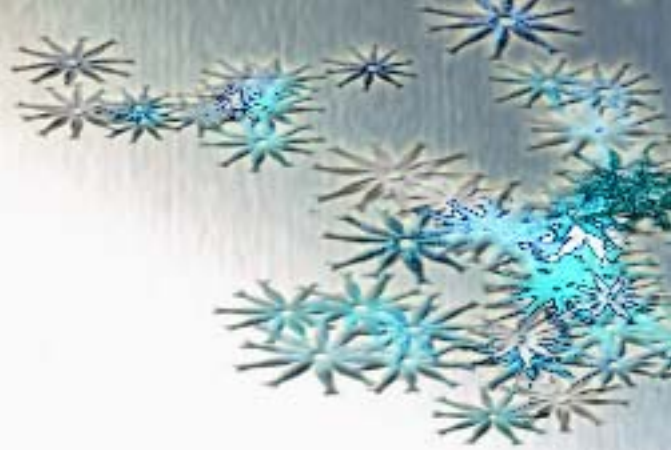
پلیدان



خدای پلیدان!

گر در گمان خلق تو ابلیس نیستی
من دانم ای خدای پلیدان تو کیستی
[...]

هشدار! ای کسی که جز ابلیس نیستی
خلق جهان هنوز نداند که کیستی



حکومت اسلامی در روزهای واپسین خود تلاش دارد از طریق برپائی تظاهرات روزانه «مردم»، به مناسبت‌های «آئینی» و «سیاسی» بی‌نظمی و آشوب را فراگیر کند. در واقع حضرات قصد بازگشت به دوران شیرین پائیز ۱۳۵۷ را کرده‌اند، چرا که می‌پندارند «بازگشت به گذشته» امکانپذیر است. به همین دلیل است که جناح ظاهراً «دولتی» و گروه «طاعون سبز» برای راه‌پیمائی ۱۳ آبانماه دست در دست یکدیگر گذاشته، جهت عربده‌جوئی و سردادن شعارهای پوچ و عوام‌فریبانه خود را آماده می‌کنند. البته فراموش نکنیم که گروه «طاعون سبز» به بهانه «مخالفت با تقلب» و ادامه «اعتراض» عربده خواهد زد! ولی مهم این است که محفل کودتای ۲۲ بهمن که در کودتای انتخابات اخیر ناکام ماند، «خیابان» را همچنان تحت اشغال خود داشته باشد، تا مخالفان حکومت سنگسار و قصاص مجال ابراز وجود نیابند. این است هدف واقعی از لات‌بازی دو گروه آب‌منگل‌ها: سرکوب ملت ایران!

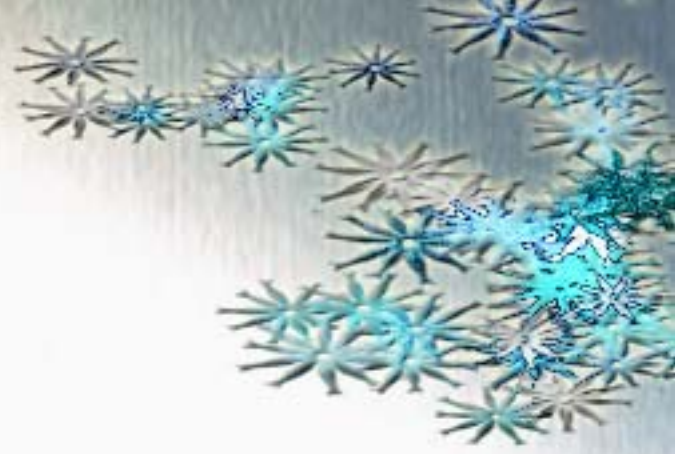
البته ابزار لازم برای تداوم لات‌بازی، یعنی همان شرکت «فرضی» ۴۰ میلیون ایرانی در «انتخابات» از سوی اربابان در ینگه دنیا در بوق‌های تبلیغاتی‌شان قرار گرفته. هر دو گروه در کمال بی‌شرمی ادعا می‌کنند، اکثریت قریب به اتفاق ملت ایران نظام توحش سنگسار و قصاص را مورد تأیید قرار داده. حال آنکه این حکومت فقط با حمایت سازمان ناتو و به برکت آشوب‌های ناشی از دروغ بیشرمانه موسوی سرپا مانده. و در همین وانفسا شاهدیم که حاج اکبر بهرمانی نیز مدافع سرسخت «آزادی اطلاع رسانی» می‌شود!

گویا طی دوره‌ای که حاج اکبر با ترور و ارباب به «سازندگی» اشتغال داشتند و او باش‌الله و کارمندان ساواک دشمن ایشان را «دشمن پیامبر» می‌خواندند، اطلاع رسانی خیلی آزاد بوده! ولی پس از کودتای ناکام اخیر این اطلاع‌رسانی «اسیر» شده. درست مانند انتخابات جمکران که در دوره نخست وزیر میرحسین موسوی جلاد «آزاد» بوده و فقط از چند ماه پیش به اسارت «دشمن» در آمده. بله، حال که سخن از دشمن به میان آمد، بازگردیم به محفل دشمن‌پرستان

محفل فاشیسم بین‌الملل، که از طریق گسترش توهم و باورهای مقدس به تخریب و تاراج اشتغال دارد، در راستای سیاست سفله‌پروری و سرکوب ملت ایران در شیوه اهدای جوایز رایگان خود «بازنگری» کرده. قرار است «امپراتوری باورها» بجای اهدای جایزه به آخوندهای با دستار و مؤنث و مذکر «مدافع فاشیسم دینی»، از این پس جوایز خود را همزمان به دو مدافع فاشیسم «دینی» و «بومی» اهدا کند، تا ما ملت بدانیم و آگاه باشیم که در قاموس محفل «تخریب و تاراج»، انسان‌ستیزی، خشونت، حذف و کودتا «گفتگوی میان‌فرهنگی» نام دارد. و اما پیش از ادامه مطلب لازم است پیرامون «حاکمیت مردم» توضیحاتی بیاوریم.

**از دودمان پاک خدایان پیش‌تر
یک تن هنوز در حرم عرش زنده بود
یک تن که چشم در پی آزار ما نداشت
میلی به سوی فتنه و مرگ و بلا نداشت
پاکیزه‌تر ز اشک زلال ستاره بود
بخشنده‌تر ز ابر سپید بهاره بود**

«حاکمیت مردم» ضد دموکراتیک است، چرا که به دلیل «جمع‌گرایی» در تضاد با «انسان‌محوری» قرار خواهد گرفت، و نهایت امر حقوق مخالفان را به رسمیت نخواهد شناخت. ما به عنوان طرفدار دموکراسی با ابهامی به نام «حاکمیت مردم» مخالف‌ایم و بیانیه‌های گوساله‌فریب مدافعان «حکومت مردم» را از پایه و اساس محکوم می‌کنیم.



شکست. به این دلیل است که با تمام قوا از «دشمن» در جمکران حمایت می‌کند تا به زندگی‌اش تداوم بخشد. شیوه حمایت از «دشمن»، همان دوقطبی کردن کاذب فضای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است. در این راستا، کیهان و رسانه‌های «تندرو» جمکران باید از همپالکی‌های خود، که پس از فروپاشی اتحاد شوروی نقاب اصلاح‌طلبی بر چهره پلیدشان زده‌اند سخت انتقاد کنند. همین انتقاد کشکی و بی‌پایه برای ساخت و پرداخت الگوی مطلوب غرب کفایت می‌کند:

«محمد خاتمی [...] و داریوش شایگان، از اندیشمندان سرشناس ایرانی، برندگان اولین دوره جایزه گفتگوی جهانی هستند.»

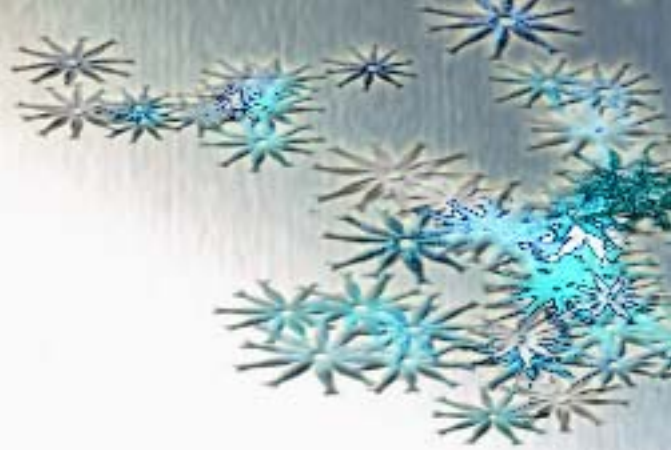
چقدر احساس غرور و افتخار می‌کنیم که یکی از دکان‌های جدیدالتأسیس محفل کذا در دانمارک، به محض بالاکشیدن کرکره، محمد خاتمی و داریوش شایگان را در زمرة «اندیشمندان سرشناس» و «مستقل» ایران به رسمیت شناخته، و اولین جایزه خود را نیز به ایندو «اندیشمند» فرهیخته تقدیم کرده! البته فکر نکنید که این مسائل با استقرار یک دانمارکی - با شیرینی دانمارکی لطفاً اشتباه نشود - در جایگاه دبیرکل سازمان دوست‌داشتنی، اندیشمند و مستقل ناتو ارتباطی دارد! ابداً! این مسائل از قضای روزگار هیچ ارتباطی با اعمال سیاست‌خداپسندانه تخریب و تاراج و گسترش فاشیسم ندارد! اینهم توهینی است از سوی غرب به ملت ایران. توهینی همچون هزاران توهین دیگر که در پوشش تکریم و تقدیر از «نخبگان» فرضی و ایرانی‌نمایان فاشیست، در واقع تداومی است بر سیاست سفله‌پروری استعمار در داخل مرزها.

داریوش شایگان و محمدخاتمی هر دو از طرفداران «مدرنیزاسیون سیاسی» یا همان «کودتا» و «گسست» به شمار می‌روند. شایگان، که پیشتر در باره‌اش توضیح داده‌ایم، در کتاب «نگاه شکسته» به زبان فرانسسه، ضمن انتقاد از حکومت جمکران، کودتای کلنل آبرون‌ساید را مورد تأیید قرار داده. همین فرد، طی دوران ریاست «جمهوری»

که سیاست‌شان را با «قطب‌نمای بصیرت» اعمال می‌کنند. از همان قطب‌نمائی که خمینی دجال هم داشت، و به مصداق «ارث خرس به گفتار می‌رسد»، امروز به خامنه‌ای رسیده. بلکه مقرر فرماندهی محفل «دشمن‌پرستان» در فرنگستان و در سازمان ناتو قرار دارد که دبیرکل آن، راسموسن نیز از بلاد «کفار» دانمارک است.

در نتیجه محفل کذا امسال یک دکان جدید در دانمارک افتتاح کرده، و نخستین جایزه خود را نیز به زوج خوشبخت «محمد خاتمی - داریوش شایگان» اهدا فرموده. البته این جایزه بیشتر به پاداش «دست‌دادن» محمدخاتمی با راسموسن دست‌شکسته در ترکیه به خاتمی اهدا شد. بله، خاتمی یک دست می‌دهد و جهان را برهم می‌ریزد. در ایتالیا هم خاتمی با فاشیست‌های مؤنث گویا دست داد و با اینکار ارکان نظام را به لرزه درآورد. ولی بنا بر عادت معهود خود، یعنی «پفیوزی» و «خودانکاری» همانطور که اخیراً ملاقات با جرج سوروس را منکر شد، دست‌دادن‌اش را نیز حاشا کرد. دامادش هم گفت، آنقدر تعداد طرفداران ایشان زیاد بود که اصلاً متوجه نشدند! و اما در ترکیه خاتمی با راسموسن «دست» داد، و پاسدار شریعتمداری نیز به خشم آمد، البته برای حفظ ظاهر. چرا که پاسدار شریعتمداری و ملامحمد خاتمی ارباب مشترکی دارند و در راستای تأمین منافع ارباب جنگ‌زرگری به راه انداخته‌اند. می‌دانیم که محفل کذا هم مانند امام راحل و رهبر فرزانه دشمن‌پرست بوده و یک «قطب‌نمای بصیرت» دارد! هر چه «دشمن را خشمگین کند»، برای این محفل نیکوست.

خلاصه اگر روزی و روزگاری، این محفل «دشمن» دست‌ساز خود را در جمکران از دست بدهد، شیشه عمرش نیز خواهد



شایگان، در ظاهر فاقد دستار است، هر چند که در کردار و گفتار از ملامت هیچ کم ندارد.

به گزارش رادیو فردا، «پایگاه» اطلاع رسانی «گفتگوی جهانی» این جایزه را به محققان، روزنامه نگاران و سازمان‌های مستقل که مسئولیت این «گفتگو» را بر عهده دارند اهداء می‌کند، و در این میان تحقیقات «میان فرهنگی» در جامعه مدرن و «ارزش» تحقیقات اهمیت فراوان دارد! گویا تحقیقات «میان فرهنگی» کذا تبلیغات جنگ و سرکوب فرهنگی، سانسور و قتل نویسندگان لائیک را نیز شامل می‌شود، چرا که در غیراینصورت دلیلی برای اهدای جایزه کذا به ملا محمدخامی، رهبر طالبان جمکران وجود نداشته. ایشان نه اندیشمنداند، نه محقق، و نه طرفدار گفتگوهای «میان فرهنگی».

محمدخامی، به گواهی سخنان و سوابق‌اش یک نوع «گفتگو» بیشتر نمی‌شناسد و آنهم گفتگوی یک‌سویه حذف و انسان‌ستیزی و جیره‌خواری فاشیسم است. چنین گفتگوئی نمی‌تواند «میان فرهنگی» تلقی شود، مگر اینکه، در قاموس محفل کذا فرهنگ با «ضدفرهنگ» و انسان‌ستیزی در ترادف قرار گرفته باشد. و این مطلب را بهتر است بنیان‌گزاران دکان دانمارک تا دیر نشده، هر چه زودتر در همان به اصطلاح «پایگاه‌شان» رسماً اعلام کنند تا پرستیژ محفل‌شان برباد نرود.

هشدار! ای کسی که جز ابلیس

نیستی

خلق جهان هنوز نداند که کیستی

[...]

یکشب ز تخت عرش فرو می‌کشم

ترا

(نادر نادرپور)

خامی از فرانسه راهی ایران شد و به تبلیغ برای حکومت قصاب و سنگسار مشغول بود. در ضمن ایشان کتاب کذا را که هزار سال پیش نوشته شده بود به عنوان پژوهش‌های علمی به ملت ایران حقنه فرمودند! البته افتخار مطالعه این اثر گرانبها را به زبان فارسی نیافتیم، ولی متن فرانسه‌اش برای دریافت عمق اندیشمندی ایشان کفایت می‌کند. محمدخامی هم که نیازی به معرفی ندارد. ملا محمد طوطی‌وار به تکرار مهملات فاشیست‌های غرب مشغول است. تخصص خامی وصله کردن «مدرنیته» و لائیسیتیه به «فاشیسم» است. در واقع ایشان همان مزخرفاتی را نشخوار می‌کنند که جلال‌الدین فارسی‌ها و حاج فرج دباغ‌ها. به همین دلیل است که دکان «گفتگوی جهانی» شایگان و خامی را به عنوان «اندیشمند» برگزیده.

پیشتر هم محفل نوبل با اهدای نوبل صلح به یک زن عامی و کم‌سواد ایرانی‌نما همین سیاست را به مورد اجرا گذاشت. استعمار غرب با هدف الگوسازی در کشورهای مسلمان‌نشین منطقه همه «نخبگان» را از زباله‌دان فاشیسم استخراج می‌کند. البته این شیوه اکنون شناخته شده و دیگر کسی فریب «جوایز» محافل غرب را نخواهد خورد. در واقع اهدای این جوایز تأثیری واژگونه یافته و دریافت‌کنندگان جوایز کذا در ایران اگر تحسین بوق‌های حکومتی و شوت‌وپرت‌های مفلوک را برمی‌انگیزند، با «پوزخند» دیگران روبرو می‌شوند. ولی تا اهالی رادیوفردا این نکته پیش پا افتاده را درک کنند مسلماً چند سده طول خواهد کشید. باری به گزارش همین رادیو، مورخ ۲۹ مهرماه ۱۳۸۸، جایزه بین‌المللی «گفتگوی جهانی» همین امسال اختراع شده و به دو ایرانی نیز تعلق گرفته! دو ایرانی فاشیست و غرب‌زده، که یکی از آن‌ها سابقه جنایت و سرکوب و کودتا در داخل مرزهای کشور دارد، و دستاربند نیز هست. و دیگری، یعنی داریوش